

## قسط و قرض الحسنه

## ریسک، بهره و تورم

در میان تسهیلات اعطایی نظام بانکی کشور، فروش اقساطی، بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و در مقابل، تسهیلات قرض الحسنه اندک بوده است.

عقد مالی، عقدی است که بین دو طرف در مورد استفاده یا انتقال مالکیت یک مال بسته می‌شود و مال، هر چیزی است که در بازار ارزش معامله دارد. برخی از مهمترین عقود مالی عبارتند از:

● قرض الحسنه: عقدی است که به موجب آن، یکی از طرفین (قرض دهنده)، مقدار معینی از مال خود را به طرف دیگر (قرض گیرنده) تملیک می‌کند که قرض گیرنده، مثل و در غیر این صورت، معادل ارزش آن را به قرض دهنده رد می‌نماید.

● مشارکت مدنی: عبارت است از درآویختن سهم الشرکه نقدی یا غیر نقدی با اشخاص حقیقی و یا حقوقی متعدد به نحو مشاع و به منظور انتفاع، طبق قرارداد.

● مشارکت حقوقی: عبارت است از تأمین قسمتی از سرمایه شرکت های سهامی جدید یا خرید قسمتی از سهام شرکت های سهامی موجود.

● سلف: منظور از معاملات سلف، پیش خرید نقدی محصولات تولیدی به قیمت معین می‌باشد (با توجه به ضوابط شرعی).

● مضاربه: قراردادی است که به موجب آن، بانک عهده دار تأمین سرمایه (نقدی) می‌گردد، با قید این که طرف دیگر با آن تجارت کرده و در سود حاصله شریک باشد.

● جعاله: عبارت است از التزام بانک به عنوان «جاعل» یا «کارفرما» به ادای مبلغ با اجرت معلوم در

مقابل انجام عملی معین، طبق قرارداد. طرفی که عمل را انجام می‌دهد «عامل» یا «پیمانکار» نامیده می‌شود.

● سرمایه گذاری مستقیم: عبارت است از تأمین سرمایه لازم جهت اجرای طرح های تولیدی و طرح های عمرانی انتفاعی توسط بانک ها.

● اجاره به شرط تملیک: عقد اجاره ای است که در آن شرط شود مستأجر، در پایان مدت اجاره و در صورت عمل به شرایط مندرج در قرارداد، عین مستأجره را مالک گردد.

● فروش اقساطی: منظور از فروش اقساطی عبارت است از واگذاری عین به بهای معلوم به غیر، به ترتیبی که تمام یا قسمتی از بهای مزبور، به اقساط مساوی یا غیر مساوی در سرسید های معین دریافت گردد.

به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، در میان تسهیلات اعطایی نظام بانکی کشور در سال ۸۵ فروش اقساطی و مسکن به ترتیب با ۳۴/۱ و ۲۹/۰ درصد بیشترین سهم را از کل عقود به خود اختصاص داده‌اند. در مقابل، سهم اندک ۳/۸ درصدی قرض الحسنه قابل توجه است که بخش عمده تسهیلات قرض الحسنه مربوط به بانک های دولتی می‌باشد. برعکس، حجم تسهیلات قرض الحسنه بانک ها و مؤسسات اعتباری غیر دولتی با ۴۹۷/۳ میلیارد ریال، بعد از سلف، کمترین مقدار را در میان سایر عقود تشکیل می‌دهد. ■

## تسهیلات اعطایی نظام بانکی به تفکیک عقود اسلامی و نوع بانک

میلیارد ریال، ۱۳۸۵

تسهیلات اعطایی	بانک های تجاری	بانک های تخصصی	بانک های غیردولتی و مؤسسات اعتباری	جمع کل عقود	سهم عقد از کل (درصد)
فروش اقساطی	۲۹۱،۸۰۳/۸	۵۸،۷۵۱/۳	۱۱،۶۱۶/۵	۳۶۲،۱۷۱/۶	۳۴/۱
مسکن	۱۱۱،۹۳۵/۰	۱۴۶،۸۹۵/۷	۴۸،۸۰۱/۰	۳۰۷،۶۳۱/۷	۲۹/۰
مشارکت مدنی	۶۶،۷۴۳/۲	۱۸،۵۰۰/۶	۴۰،۵۵۸/۱	۱۲۵،۸۰۱/۹	۱۱/۸
مضاربه	۵۹،۴۲۵/۲	۲،۵۹۱/۲	۲۸،۶۱۰/۵	۹۰،۶۲۶/۹	۸/۵
سلف	۴۹،۸۷۲/۲	۷،۰۱۱/۷	۳۰۵/۲	۵۷،۱۸۹/۱	۵/۴
قرض الحسنه	۳۳،۳۲۳/۳	۶۲۶/۹	۴۹۷/۳	۴۰،۸۲۲/۵	۳/۸
اجاره به شرط تملیک	۷،۱۰۱/۷	۱،۴۲۶/۰	۱۴،۷۵۵/۰	۲۳،۲۸۲/۷	۲/۲
مشارکت حقوقی	۱۲،۷۸۹/۵	۶،۰۲۳/۱	۲،۵۸۳/۴	۲۱،۳۹۶/۰	۲/۰
جعاله	۱۷،۱۶۴/۱	۱،۳۷۲/۴	۲،۳۳۰/۸	۲۰،۷۶۷/۳	۱/۹
سرمایه گذاری مستقیم	۹،۵۶۵/۰	۱۵۶/۲	۱،۷۶۱/۸	۱۱،۴۸۳/۰	۱/۱
خرید دین	۲۳۴/۱	۷۸/۲	۱،۶۸۸/۷	۲،۰۱۰/۰	۰/۲
جمع	۶۵۹،۹۵۷/۱	۲۴۹،۰۶۸/۳	۱۵۳،۴۰۸/۳	۱،۰۶۲،۴۳۳/۷	۱۰۰/۰

استخراج: ماهنامه «اقتصاد ایران» از آمارهای بانک مرکزی.

مبحث ریسک و رابطه آن با سود/ بهره در نظام بانکداری غربی و امور مالی که در ۵۰ سال اخیر با تحقیقات گسترده و شواهد تجربی همراه بوده است، جایگاه پذیرفته شده ای پیدا کرده است. اما این بحث در بانکداری اسلامی مورد تجزیه و تحلیل و مطالعات گسترده قرار نگرفته است.

نگاه شهید آیت الله محمد باقر صدر در کتاب «اقتصادنا» (اقتصاد ما) جالب توجه می‌باشد. بر اساس مطالعات واحد تحقیقات ماهنامه «اقتصاد ایران»، وی پایه گذار بحث ریسک در اقتصاد اسلامی است که بخشی از این کتاب پایه گذار نظری را ذیلاً با هم می‌خوانیم. ولی در عمل، این دوگانگی (شرقی و غربی) مشکلاتی را برای هر دو نظام ایجاد کرده است. شاهد آن که در نظام بانکداری فعلی کشورمان، ریسک امری ناشناخته باقی مانده است. در مقابل، ریسک های گزاف در نظام بانکداری / مالی سنتی (غربی) به رفتارهای ناهنجار مانند سفته بازی سوق پیدا کرده است. متن زیر که استخراج واحد تحقیقات ماهنامه از «اقتصادنا» است، نگاه آن شهید را به موضوع ریسک و ارتباط آن با بهره و حتی تورم منعکس می‌کند. به اعتقاد ما، لازم است فقها و استادان و همه متفکرین نظام بانکداری / مالی کشور به بحث و گفت و گو در رابطه با جایگاه ریسک در اقتصاد اسلامی و رابطه آن با سود بپردازند که می‌تواند به یکی از نقاط تکامل نظام بانکداری کشور بینجامد. گفتنی است، به گزارش واحد اطلاعات و اخبار ماهنامه «اقتصاد ایران»، بحث ریسک در مؤسسه تحقیقاتی وابسته به بانک توسعه اسلامی درجده، در جریان است.

ریسک حالتی است که طی آن، شخص به امری که از فرجام آن بیم دارد مبادرت می‌کند. در این حالت، یا شخص به علت ترس از تصمیم خود برمی‌گردد و یا ادامه می‌دهد. در هر حال، او است که راه پر بیم را برمی‌گزیند و با اراده آزاد، خسارت احتمالی وارده را می‌پذیرد. اما تا وقتی که تصمیم شخصی واقعیت خارجی پیدا نکرده، نمی‌تواند ما به ازای مادی مطالبه کند. ریسک نه جنبه کالا و سرمایه دارد که آسیب دیده به دیگری تسلیم و در برابر آن بهایی بگیرد و نه کار است که با بذل آن بتوان حق تملک پیدا کرد و یا اجرتی را مطالبه نمود. بسیاری از دانشمندان با الهام از اندیشه سرمایه داری، راه خطا پیموده و در توجیه و تجویز بهره به عنصر ریسک، استناد کرده و اظهار داشته‌اند که سود صاحب مال در عقد مضاربه نیز، از لحاظ نظری مبتنی بر عنصر مخاطره است. زیرا اگر چه ◀

## دکتر رضوی: «تقویت نظریه پردازی»

**گفت‌وگویی «اقتصاد ایران» با دکتر مهدی رضوی، استاد دانشگاه شهید بهشتی و رییس هیأت مدیره و مدیر عامل بانک صنعت و معدن**

کیاست پولی وجود دارد، چون که ما فقر نظریه پردازی داریم. موجودی حساب ۷۰ درصد از ۲۵ میلیون سپرده‌گذار که در بانک‌های عمدتاً تجاری کشور حساب دارند، زیر ۱۰۰ هزار تومان است. این یعنی فقر مطلق که هرگونه سیاست نرخ سود سپرده‌ها را در یک سیاست پولی زیر سؤال می‌برد، چون این سپرده‌ها نمی‌توانند به نرخ سود کشش داشته باشند. در یک نگاه اصولی، مشکل ما در بانکداری اسلامی، فقر نظریه پردازی است.

**اقتصاد ایران: چرا نظریه‌ها و طرح‌های ارایه شده در زمینه بانکداری اسلامی کم است؟**

متأسفانه در جامعه ما، افرادی که اعتقاد قلبی داشته و نظریه پردازی کرده و روش‌های اجرایی و عملی

برای آن ارایه کنند، کم داریم. اگر هم بودند، به نحوی خیلی جدی گرفته نشده‌اند؛ در حالی که در کشورهای دیگر مثل مالزی، نه تنها این گونه نیست بلکه تحقیق و کار در زمینه بانکداری اسلامی بسیار مورد توجه فارغ التحصیلان است.

**اقتصاد ایران: آیا از روند اصلاح رفتاری نظام بانکی کشور به عنوان یکی از اعضای کمیسیون مربوطه راضی هستید و آیا به مسایل بانکداری اسلامی در این اصلاح رفتاری توجه شده است؟**

مشکل ما در اصلاح نظام بانکی، بخشی‌نگری است. طرحی که برای نظام بانکی می‌خواهیم ارایه کنیم باید متناسب با مردم، نظام اقتصادی و شرایط منطقی و بین‌المللی کشور ما باشد. ما این مسأله را در اجرای بانکداری اسلامی به صورت سیستمی ارایه کرده‌ایم. این یک طرح بسیار عمیق است. این که حذف ربا از کلیات مالی و بانکی کشور، گسترش ارزش‌ها و مکارم اخلاق در روابط و مناسبات مالی و بانکی و استقرار کامل نظام بانکداری با ضوابط اسلامی به عنوان هدف، مطرح باشند اهداف والایی است. برای اجرایی کردن این اهداف باید یک نگاه همه‌جانبه داشته باشیم. تا نظام مردم و شرایط

اقتصاد ایران: نظام بانکداری اسلامی بر چه ارزش‌هایی مبتنی است و چه تفاوتی با نظام سرمایه‌داری دارد؟

خصلت رفتاری انسان در نگرش سرمایه‌داری، ریشه در نظریه لذت‌طلبی اپیکور دارد. انسان در نظریه سرمایه‌داری نئوکلاسیک، موجودی است به دنبال حداکثر مطلوبیت، معتقد به اصالت عقل، خودگرا، جزء‌گرا و سودجو. در حالی که در جهان بینی اسلامی، کسب حداکثر سود تنها انگیزه‌ی معقول فعالیت‌های اقتصادی نیست بلکه در هر فعالیت اقتصادی، عدالت و خیرخواهی پایه رفتار و حرکت انسانی است. مسلمان نمی‌تواند فقط به کسب منفعت ببنشد و عدل و انفاق اسلامی را، که روش اخلاقی سیاست اقتصادی در اسلام است، فراموش کند. از این گذشته، اسلام فطرت انسانی را لذت‌طلب، خودپسند، جزء‌گرا و خودگرا نمی‌داند. بانکداری اسلامی، نظامی است که فطرت انسان‌های دست‌اندرکار آن بر پایه ارزش‌ها و جهان بینی اسلامی استوار است و نه تنها از جنبه ارزشی و اخلاقی، بلکه از نظر محتوایی و ساختاری نیز با عوامل نظام‌های بانکداری موجود جهان تفاوت اساسی دارد.

**اقتصاد ایران: به نظر شما مشکل نظام بانکداری اسلامی چیست؟**

در هر سیستم و نظام فکری، فلسفی، فنی، مالی و یا اقتصادی، اجزا باید با هم هماهنگ باشند. نظام اسلامی و بانکداری اسلامی از این قاعده مستثنا نیست. متأسفانه ما در نظام اسلامی، بحث بانکداری را جدا می‌کنیم و می‌خواهیم فقط روی همین مؤلفه این نظام بحث کنیم. زمانی هم که می‌خواهیم در نظام بانکداری، طرح جدیدی ارایه کنیم، ارتباط این بخش را با بقیه حوزه‌های نظام اسلامی در نظر نمی‌گیریم، در حالی که نیاز به یک بازسازی کلی (Overhaul) داریم. به عنوان نمونه، من اعتقاد دارم در کشور ما، سیاست پولی وجود ندارد بلکه تدابیر و

کاری انجام نمی‌دهد، ولی دشواری‌های ریسک را متحمل شده و با واگذاری سرمایه به عامل، خود را در معرض خسارت قرار داده است. لذا عامل، موظف به پرداخت درصدی از منافع مورد توافق، در برابر از خود گذشتگی و قبول خطر از ناحیه سرمایه‌گذار است. اما واقعیت غیر از این است. سهم سود مال از داد و ستد ناشی از ریسک نیست، بلکه به علت مالکیت سرمایه است. هر چند ارزش سرمایه تجاری، غالباً در اثر فعالیت‌های اقتصادی حامل و گذاشتن آن در دست سترس مصرف‌کنندگان، فزونی یافته و توأم با سود می‌گردد، ولی از مالکیت صاحبش خارج نمی‌شود و این همان پدیده ثبات مالکیت است. بعضی افراد، با تکیه بر همین عامل ریسک، درصدد توجیه و درست جلوه دادن سودهای ربوی برآمده و می‌گویند وقتی بستانکار، پولی را به عنوان قرض به کسی می‌دهد، در واقع، از خطر استقبال کرده و سرمایه‌اش را به خطر انداخته است، زیرا اگر مدیون نتواند آن را باز پس دهد، سرمایه از بین رفته و خساراتی به بستانکار وارد آمده است. بنابراین مالک حق دارد، در ازای به خطر انداختن سرمایه‌ای که نزد بدهکار دارد، اجرتی که همان بهره پول می‌باشد، دریافت کند. دین اسلام این استدلال را نادرست و نامشروع می‌داند و ریسک فرضی فوق را دلیلی به گرفتن بهره نمی‌داند و اجرت یا عوضی از نظر دین اسلام مشروع است که نتیجه کار مستقیم یا ذخیره شده باشد.

### بهره و تورم

برخی می‌گویند، سودی که وام‌خواه به وام‌دهنده می‌دهد ناشی از استفاده‌ای است که وی از آن پول کرده است. چنین تعبیری اگر در مورد بهره‌برداری‌ها و استفاده‌های تجاری صادق باشد، اما در مورد وامی که نیازمند، برای برآوردن نیاز خود می‌گیرد، فاقد اعتبار است. اسلام، حق سرمایه‌گذار در منافع حاصله را - مثلاً در عقد مضاربه - به صورت شرکت سرمایه‌گذار با عامل در دست‌آمدهای حاصله پذیرفته است، با این تفاوت که سرمایه‌گذار را مسؤول خسارات احتمالی دانسته و معامله‌گر را در سود حاصل شده با او سهیم گردانده است. ولی این مطلب به صورت اساسی یا منفعت پول که صورت ثابتی دارد و سود و زیان وام‌خواه در آن منظور نشده متفاوت است. یکی دیگر از دلایلی که در توجیه سود پول آورده شده این است که بهره، تفاوت میان ارزش فعلی و ارزش آینده سرمایه است. گذشت زمان، ارزش‌ها را عوض می‌کند. هر قدر سررسید بازپرداخت دیرتر باشد، طبیعی است که میزان بهره بیشتر خواهد بود. این استدلال نادرست از آنجا ناشی شده که در نظام سرمایه‌داری، توزیع پس از تولید، به نظریه ارزش بستگی دارد. در حالی که در نظریه اسلامی، توزیع نه تنها به نسبت نقش هر یک از عوامل در پیدایش ارزش مبادله، بلکه متناسب با اهداف عدالت اجتماعی صورت می‌گیرد. اگر این نظر طرفداران مکتب سرمایه‌داری را بپذیریم، بهره، نتیجه عامل زمان است نه کار، و اسلام روا نمی‌دارد که چنین درآمدی عاید سرمایه‌دار گردد. ■